

کنار گذاشتن ارز ۴۲۰۰ تومانی بحران را خواهد بود؛ چاه را بکنید بعد سراغ منار بروید | قیمت دلار تا عید ممکن است به مقادیر غیرقابل تحملی برای اقتصاد ملی برسد.

عضو مجمع تشخیص به روسای قوای سه گانه هشدار داد؛



احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران با ارسال نامه ای به روسای قوای سه گانه کنار گذاشتن ارز ۴۲۰۰ تومانی را بحران را ارزیابی کرد.

به گزارش اسپادانا خبر، در متن این نامه آمده است:

برادران ارجمند رؤسای محترم قوای سه گانه

آقایان رئیسی، قالیباف و محسنی اژه ای

جان میناردکینز اقتصاددان سرشناس انگلیسی می گوید:

«هیچ وسیله ای مکارانه تر و اطمینان بخش تر برای واژگون کردن پایه های موجود جامعه بهتر از خراب و بی اعتبار کردن پول رایج آن نیست. این فرایند همه نیروهای نهانی قانون اقتصادی را در جهت انهدام و ویرانی بکار می گیرد و آن را به صورتی عملی می کند که یک نفر از یک میلیون نفر قادر به تشخیص آن نیست.»

تصمیم دولت برای کنار گذاشتن ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی جز گندم، دارو و تجهیزات پزشکی به ترتیبی که قرار است انجام شود تبعات سنگینی دارد که ممکن است بحران بر بحران اقتصادی بیفزاید.

توضیحات و دلایل زیر آن را روشن می سازد:

۱- پیش از آنکه دولت نرخ ارزی را تعیین کند باید سیاست و نظام ارزی متناسب با شرایط کشور را برگزیند. چون دولت یکی از دلایل این تصمیم را تک نرخی کردن ارز و حذف رانت و فساد ذکر می کند نخست باید معلوم کند که نرخ یکسان ارز را از این پس بازار تعیین می کند یا دولت؟ اگر بازار تعیین می کند دولت برای فروش ارز خود چه قیمتی را در نظر می گیرد؟ نرخ بازار؟ در آن صورت تلاطمات صعودی محتمل را پیروی می کند و به بی ثباتی رسمیت می بخشد؟ یا برای کاهش بی ثباتی نرخ دیگری را تعیین می کند و باز ارز در سطح بالاتری دوبرخی می شود. با تورم افسار گسیخته بعدی چه می کند؟

۲- ظاهر آن است که دولت در مرحله بعدی این دو سه قلم را هم آزاد می کند و منتظر کارکرد عرضه و تقاضا می ماند. پیش فرض ناگفته این است که وقتی ارز تک نرخی شد چون به قدر نیاز واردات، ارز داریم و یک نرخی کردن نیز رانت را حذف می کند، ارز از تلاطم باز می ماند.

این پیش فرض در صورتی درست بود که تقاضای ارز تنها برای واردات باشد در حالی که سه تقاضای دیگر برای ۱- حفظ ارزش دارایی ۲- فرار سرمایه و ۳- سفته بازی در کارند و تلاطم صعودی نرخ ارز ادامه خواهد یافت. در پی آن تورم جهش دیگری می کند، به بهانه افزایش تورم، نرخ بالاتر ارز... این دور باطل تنها با سقوط اقتصاد پایان می یابد.

آیا ما باید مانند دولت پیشین به اسم مداخله برای اصلاح قیمت علاوه بر فروش تمام ارزهای تأمین شده ۶۵ میلیارد دلار از

ذخایر بانک مرکزی را در بازار به باد بدهیم؟ دولت پیشین دو تجربه شکست خورده بحران ۱۳۷۴ و ۱۳۹۰ را پیش رو داشت و دیده بود که این روش بی نتیجه است ولی عبرت نگرفت حالا ما سه تجربه را می بینیم. چون دولت نمی تواند با بازار متلاطم صعودی همراهی کند به سرعت دوترخی حاکم می شود؛ قیمت دولتی و قیمت بازار آزاد و در نتیجه حذف رانت در کار نخواهد بود. انتظارات و قیمت ها نیز با بالاترین قیمت بازار آزاد همراهی می کنند.

۳- در بحران جهش قیمت ارز و سقوط ارزش پول ملی برای مهار نرخ ارز راهی جز تأثیر گذاشتن بر عرضه و تقاضا وجود ندارد. در کشورهای با ثبات از نظر سیاسی و اقتصادی هرچه اعتماد مردم و حاکمیت به یکدیگر بیشتر باشد مداخله کمتری برای حفظ ثبات لازم می شود اما وقتی قیمت ارز به شکل موشکی بالا می رود و اعتماد مردم به حکومت آسیب دیده باشد اقدامات دولت برای مهار بحران سقوط ارزش پول ملی باور نمی شود. در این شرایط بحرانی بر خلاف کالاهای معمولی با افزایش قیمت ارز، تقاضا برای آن افزایش می یابد زیرا هرچه سرعت افزایش بیشتر باشد، دارایی مالی افراد بیشتری برای حفظ دارایی خود، وارد خیل متقاضیان می شوند. میل به مهاجرت و انتقال یا فرار سرمایه بیشتر می شود و سود حاصل از سفته بازی افزایش می یابد و متقاضیان دم به دم افزوده می شوند و بحران شدیدتر می گردد. تنها با تهاجم سریع و سرازیر کردن ارز وافر به بازار متلاطم صعودی امکان مهار قیمت ارز وجود دارد البته معمولاً بالاتر از نرخ پیش از بحران. هرچه بی اعتمادی بیشتر باشد سرعت تصمیم گیری و اجرا باید تندتر انجام پذیرد تا بی اعتمادی برای واکنش های منفی تر مردم زمان نداشته باشد.

در دسامبر ۱۹۹۴ در حالی که رئیس جمهور تازه برگزیده مکزیک قصد داشت با ۱۵ درصد کاهش ارزش پزو به هر دلار ۴ پزو برسد مکزیکی ها که به رئیس جمهور منتخب اعتماد لازم را نداشتند از بیم کاهش بیشتر ارزش پزو برای خرید دلار و فروش پزو به بازار ارز هجوم بردند. مکزیک دچار بحران ارزی شد. طی یک هفته صندوق بین المللی پول، ۵۷ میلیارد دلار، بالاترین وام پرداختی صندوق به یک عضو را تا آن زمان به مکزیک پرداخت. چون این وام کفاف نمی کرد با دخالت کلینتون، رئیس جمهور آمریکا، سرمایه داران آمریکایی به شرط آنکه رئیس جمهور جدید سرکوب مؤثر استقلال طلبان زاپاتیستا در جنوب این کشور را تهدید نماید ۵۴ میلیارد دلار وام کوتاه مدت که بهره بالایی دارد به بازار ارز مکزیک سرازیر کردند تا سرانجام سقوط ارزش پزو را در هر دلار ۶ پزو متوقف ساختند.

آغاز بحران ارزی کره جنوبی ۱۶ نوامبر ۱۹۹۷ بود. ۵ روز بعد در ۲۱ نوامبر کره از IMF کمک خواست. دو هفته پس از آن در ۳ دسامبر بر تزریق ۵۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار از منابع صندوق به بازار ارز کره توافق شد که در همان روز ۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار پرداخت شد. مجموعه اقدامات که به سرعت انجام شده بود نرخ جهش یافته هر دلار معادل ۱۹۶۵ وُن در ۲۴ دسامبر ۱۹۹۷ را، طی چند روز به ۱۸۰۰-۱۶۰۰ در ژانویه ۱۹۹۸ و چهار ماه بعد از آغاز بحران ریال به ۱۴۰۰ وُن در پایان مارس ۹۸ و در پایان سال ۱۹۹۸ به هر دلار برابر ۱۲۰۰ وُن کاهش داد.

۴- در ایران مداخله گری معتدل سه بار جواب نداده است و انجامش تنها جیب آشنا و غریبه را پرکرده است و توده مردم را کم مایه تر ساخته. روش تهاجمی نیز به دلیل در اختیار نداشتن ارز فراوان و ناکارآمدی عملی نیست. پس از طرف عرضه نمی توانیم افزایش موشکی متلاطم و پرنوسان نرخ ارز را متوقف کنیم.

۵- چرا باید نگران بود؟

به گزارش جناب آقای دکتر میرکاظمی در مجمع تشخیص، دولت برای ارزیابی آثار تورمی این تصمیم فقط اثر مستقیم و غیرمستقیم حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی را محاسبه نموده و اثر انتظار تورمی را که بسیار مهم تر است نادیده گرفته است. تلاطم صعودی قیمت ارز از چهار طریق به تورم دامن می زند:

• افزایش قیمت تمام شده تولید به دلیل افزایش قیمت ماشین آلات و مواد اولیه یا واسطه وارداتی

• کاهش عرضه ناشی از افزایش هزینه تولید

• تورم ناشی از انتظارات منفی.

• هرج و مرج قیمتی یا قیمت گذاری دلخواه، پدیده ای جدید که در بحران های گذشته در ایران نبوده است و در تجربه دیگران نیز من ندیده ام.

نکته بسیار مهم مغفول مانده دیگر این است که ارز را تنها درآمد و دارایی تلقی می کنند. در حالی که ارز یکی از ابزارهای سیاستی بانک مرکزی است که باید در درجه نخست در دستیابی به اهداف ثبات اقتصادی و ارزش پول ملی به کار گرفته شود. در حالی که نگاه درآمدی به ارز دولتها را که همیشه دچار کسری بودجه بوده اند به گران شدن ارز متمایل می کند تا با کسب ریال بیشتر کسری را جبران کند. تورم سنگین ناشی از بحران، بیش از همه، به دولت آسیب میزند. در تمام موارد این کار، کسری بودجه سال بعد را تشدید کرده است و باعث تمایل بیشتر به گران فروشی ارز شده و دور باطل ادامه می یابد. دولت سیزدهم تن به این اقدامات مخرب ندهد و یکبار برای همیشه این روند تورم ماریپیچی را متوقف کند.

رؤسای محترم قوا

راهی که دولت ظاهراً آن را پذیرفته است ادامه همان راه صندوق بین المللی پول است که از دوره آقای هاشمی پذیرفته شد و تاکنون ادامه دارد و با مردم ایران آن کرد که می بینیم. البته این وضعیت اسفبار که جان مردم را به لب رسانده است در همان

دو سه سال اول صدارت دولت سازندگی تورم را به ۴۹.۵ درصد رساند و به اعتراض مردم انجامید و شد آنچه نباید می‌شد. در بحران ۱۳۷۴-۱۳۷۳ نرخ تورم بالاترین نرخ تورم تا آن زمان بود: ۴۹.۵ درصد. نرخ تورم مهر ۱۴۰۰ به میزان ۴/۴۵ به نرخ تورم سال ۱۳۷۴ نرسیده است ولی با توجه به آسیب‌های وارد شده بر مردم از ۱۳۷۴ تا کنون نادیده گرفتن تورم انتظاری احتمالاً آسیب سنگین‌تری در پی داشته باشد. تلخ‌ترین نتیجه این بحران، علاوه بر تورم، رکود وحشتناکی است که درد تورم‌کمرشکن را چند برابر می‌سازد. تورم و آسیب‌های دیگر بحران ارزی مانند افزایش نابرابری درآمد و دارایی و تشدید فرار سرمایه، همگی آثار ثانویه ضد تولید و سرمایه‌گذاری دارند و بر رکود موجود می‌افزایند. یک مثال در اینباره کافی است:

خروج کنجاله و جو و ذرت از پوشش ارز ۴۲۰۰ تومانی و سپردنشان به ارز آزاد واردکنندگان را محتاج تقریباً ۷ برابر سرمایه جاری می‌سازد مثلاً یک کشتی ۶۵ هزار تنی پیش از تصمیم ۱۱۰ میلیارد سرمایه می‌خواست حالا بازرگان باید حدود ۷۵۰ میلیارد تومان داشته باشد. چون واردکنندگان متوسط به پایین، سرمایه جاری کافی ندارند از بازار رانده می‌شوند و جای آنها را انحصارگران می‌گیرند و بازار را انحصاری‌تر می‌کنند. همین‌طور کارخانه‌های خوراک دام و طیور، دامداری‌ها، مرغداری‌ها، کارخانه‌های لبنیات و بازرگانان مسیر، همگی دچار کمبود سرمایه در گردش می‌شوند. قیمت لبنیات و مرغ را چندین برابر می‌کند. البته اینها با فرض ارز آزاد ۲۹۰۰۰ تومانی امروز است که به سرعت افزایش خواهد یافت. طبیعی است که ما نمی‌توانیم با این استدلال درست ارز ۴۲۰۰ را همیشگی کنیم ولی می‌گوییم نخست چاه را بکنید بعد سراغ منار بروید. آشکار است که همه اینها ضد تولید و سرمایه‌گذاری است. پس رها ساختن بازار ارز به عرضه و تقاضا نخستین هدف رهبری و مردم را که رفع موانع تولید است بر باد می‌دهد بلکه ضد آن عمل می‌کند.

ارزش پول ملی در این ۳۳ ماه کمتر از یک‌ششم شده است یعنی بیش از پنج‌ششم ارزش خود را از دست داده است. این همان پدیده شومی است که رهبری از آن اظهار خجالت می‌کند. اگر روش صندوق بین‌المللی پول را ادامه دهید باید منتظر نرخ‌های بسیار آسیب‌زننده تر ارز طی همین ماه‌های آخر سال باشید. مصائب آن وضعیت تحمل‌ناپذیر است.

در این شرایط چه چاره‌ای جز کنترل تقاضا و تخصیص اداری ارز باقی می‌ماند؟

راهکارها: راه نجات معیشت مردم و اقتصاد ملی محتاج بسته سیاستی مفصل‌تر است و اینجا تنها به این موضوع می‌پردازم:

۱. کارت هوشمند غذا، آموزش و درمان برای طبقات مستضعف و متوسط ضعیف. آمریکا از ۱۹۶۴ به مستحقان کوپن غذا می‌دهد. تعداد گیرندگان در سال ۲۰۱۳ به رقم بی‌سابقه ۴۷ میلیون و ۵۳۶ هزار نفر رسید.

۲. ارز تا ۵ سال باید فقط با یک نرخ حدود ۱۰ هزار تومان در کنترل دولت مبادله شود. این کار برای راه‌اندازی تولید و سرمایه‌گذاری، کاهش ریسک و نا اطمینانی ضروری است. ضمن آنکه اثر ضد تورمی آن موجب ثبات و افزایش قدرت خرید مردم و تقویت تقاضای مؤثر است که ضد رکود عمل می‌کند.

۳. ارز صرفاً به شکل اداری مبادله و تخصیص داده شود.

۴. شبکه اطلاعات متمرکز یکپارچه و علنی فراهم گردد. این کار از رانت‌خواری با قوت جلوگیری می‌کند.

۵. صادرکنندگان ملزم به فروش کل ارز حاصل از صادرات به دولت باشند. کالای صادراتی از انواع یارانه‌های آشکار و پنهان بهره‌مند است. چرا نباید در اختیار سیستم باشد تا چرخش تولید را مقدور سازد؟ در غیر این صورت، صادرات، فرار سرمایه در شکل کالا است که یا در خارج می‌ماند یا صرف قاچاق می‌گردد.

۶. هر نوع معامله ارزی در خارج از شبکه اصلی غیرقانونی شود و مستوجب مجازات سخت گردد.

۷. بازدهی سرمایه‌گذاری در بازارهای عمده مانند خودرو، زمین و مسکن به کمک مالیات بر عایدی سرمایه باید کمتر از بازدهی آن در صنعت و کشاورزی شود.

سیاست تثبیت در ایران زمان جنگ و در سال ۱۳۷۴ پس از بحران ارزی اعمال شد و کشور را از بلایا دور کرد. در زمان آقای هاشمی همین سیاست نرخ تورم ۴۹.۵ درصدی را طی یک سال به ۲۳ درصد فرو کاست یعنی به نرخ سال پیش از بحران، سال ۱۳۷۲ به میزان ۹/۲۲ درصد. در کشورهای دیگر نیز سابقه دارد به عنوان مثال در بحران ۱۹۹۸-۱۹۹۷ آسیای جنوب شرقی ماهاتیر محمد نرخ پول ملی مالزی را برای ۵ سال ثابت نگه داشت و خروج سرمایه را کنترل کرد و سریعتر از همگنانش از بحران رست.

این طرح مانند هر طرح دیگری هزینه‌هایی نیز دارد ولی آن را باید با ادامه وضع فعلی سنجید که دو نرخی رخ خواهد داد و قیمت دلار تا عید ممکن است به مقادیر غیرقابل تحملی برای اقتصاد ملی نیز برسد.

هشیار باشید. فرصت کوتاه است.

با احترام

احمد توکلی

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

رئیس هیئت مدیره سازمان مردم نهاد

دیده بان شفافیت و عدالت

برچسب ها: [دولت](#) [1]

[مجلس](#) [2]

[قوه قضائیه](#) [3]

[مجمع تشخیص](#) [4]